

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۴/۱۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۱۱/۳۰

شناخت و تحلیل عامل مؤثر بر رکود صنعت قالیبافی در نواحی روستایی از دیدگاه قالیبافان شهرستان گنبد کاوس

امین محمدی استاد کلایه (نویسنده مسئول)

استادیار گروه مرتع و آبخیزداری، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه گنبد

E-mail: aminmohammadi@gonbad.ac.ir

ناصر بیات

استادیار گروه جغرافیا، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه علوم انتظامی امین

محمدامین خراسانی

استادیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

راحله نیکروش

دانش آموخته کارشناسی ارشد کارآفرینی گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گنبد

■ چکیده

فرش دستباف، یکی از عمده‌ترین و اصیل‌ترین صنعت دستی کشور، از لحاظ اشتغال به‌ویژه در مناطق روستایی و نیز از نظر صادرات غیر نفتی جایگاه مهمی دارد و بخش چشمگیری از تولید ناخالص ملی را شامل می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که این صنعت در سال‌های اخیر با چالش‌های مهمی مواجه شده است. فرش دستباف ترکمن با ابعاد و ارزش‌های برجسته اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تولید و عرضه می‌شود، اما از سال‌ها قبل سیر تولید و عرضه آن روند نزولی در پیش گرفته است. بر این پایه، پژوهش حاضر به شناخت و تحلیل علل رکود صنعت قالیبافی در ده روستای شهرستان گنبد کاووس می‌پردازد. روستاهای مورد مطالعه از توابع دهستان‌های سلطانعلی، فجر، آق‌آباد و باغلی ماراما واقع در بخش

مرکزی شهرستان گنبد کاووس هستند. روش تحقیق ترکیبی و اکتشافی است. نخست با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته علل رکود صنعت قالیبافی از دیدگاه کارشناسان در منطقه مورد مطالعه با استفاده از روش کدگذاری تجزیه و تحلیل شد و بر این اساس ۱۶ علت اصلی اثرگذار در رکود قالیبافی در روستاهای مورد مطالعه شناسایی شد. سپس، نتایج این بخش از پژوهش، اساس طراحی پرسشنامه در مرحله بعد قرار گرفت. با طراحی پرسشنامه در چارچوب طیف لیکرت دیدگاه زنان قالیباف روستایی در مورد علل ذکرشده در رکود صنعت قالیبافی شناخته شد. آزمون تی تک‌نمونه‌ای و روش خوشه‌بندی سلسله مراتبی برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه به کار رفت. بر این اساس دیدگاه پاسخگویان



دوفصلنامه
علمی - پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۰
پاییز و زمستان ۱۳۹۵

نشان می‌دهد که مقوله‌های «ضعف سیاست‌های حمایتی دولت از فرش‌بافان» و «ضعف جنبه‌های اقتصادی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی» به ترتیب بیشترین تأثیر را بر رکود صنعت فرش‌بافی، و مقوله‌های «ضعف خلاقیت و نوآوری در زمینه طرح، رنگ، نقشه و کیفیت مواد اولیه» و «عقب‌ماندگی فنی و تکنولوژیکی در تولید فرش دستباف» به ترتیب کمترین تأثیر را بر رکود صنعت فرش‌بافی در روستاهای مورد مطالعه دارد.

واژه‌های کلیدی: صنعت قالیبافی، رکود، اقتصاد روستایی، شهرستان گنبد کاووس، فرش دستباف ترکمن.

■ مقدمه

فرش با قدمتی هزاران ساله، به عنوان میراث فرهنگی کشور، زمینه‌ساز ایجاد صدها فرصت شغلی و ارتزاق بخش زیادی از جمعیت است (علیزاده ثانی و شجاعیان ۱۳۹۳، ۱). صنعت فرش‌بافی از لحاظ اشتغال به‌ویژه در مناطق روستایی و صادرات غیرنفتی جایگاه مهمی دارد و بخش چشمگیری از تولید ناخالص ملی را شامل می‌شود. بر اساس آمارهای مختلف بیش از ۶۵ درصد جمعیت فرش‌باف کشور در نواحی روستایی سکونت دارند (شم‌آبادی و حسینی ۱۳۸۶، ۷).

تولید فرش دستباف در اقتصاد ایران به دلیل بهره‌گیری از تکنولوژی ساده و کم‌هزینه، مواد اولیه ارزان، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و تحصیل درآمدهای ارزی از مزیت نسبی دارد (صابری ۱۳۸۲، ۵۲۹). رونق این صنعت در نواحی روستایی علاوه بر کمک به رشد اقتصاد ملی به بهبود وضعیت اقتصاد روستایی نیز می‌انجامد. ه چنین رکود این صنعت در بسیاری از نواحی روستایی کشور کاهش درآمد خانوارهای روستایی را در پی دارد (میرکتولی ۱۳۸۸، ۵۵).

تولید فرش دستباف در استان گلستان از دیرباز

میان ساکنان این منطقه بالاخص اقوام ترکمن رواج داشته است. بانوان زیادی در این ناحیه به صورت موقتی و دائم به این صنعت اشتغال دارند. بر اساس آمار سازمان صنعت و معدن و تجارت استان گلستان حدود ۷۰۰۰۰ نفر در استان به صورت سنتی و نسل به نسل قالیباف هستند که از این تعداد حدود ۳۱۰۰۰ نفر کارت شناسایی قالیبافی دارند. تمرکز بیشتر واحدهای فعال در صنعت فرش استان در شهرهای گنبد، بندر ترکمن، آق‌قلا و کلالة است که در این میان گنبد با داشتن ۳۰ درصد سهم تولید دستبافته‌های استان بیشترین سهم را دارد (عادلی ۱۳۹۲، ۱).

فرش ترکمن در سال‌های اخیر دچار رکود محسوسی، به‌ویژه در ابعاد کیفی، شده است. این اتفاق، نه‌تنها خسارات مادی بر جای گذاشته، بلکه یکی از زمینه‌های اصلی ایجاد اشتغال در این منطقه نیز کم‌رنگ شده است.

میرکتولی و همکاران (۱۳۸۸) در بررسی دلایل اجتماعی کاهش کیفیت فرش دستباف ایران، که در فاز اول آن به فرش ترکمن اشاره داشته است، به بررسی علل و عوامل مؤثر در ضعف کیفیت فرش ترکمن می‌پردازند. آن‌ها ضمن توجه به عناصر اجتماعی مؤثر در کیفیت فرش، نحوه آموزش، نوع مشارکت و میزان آن، پایگاه اجتماعی و روابط کار و تولید از طریق طرح فرضیاتی چون عدم رضایت شغلی، کمبود مشارکت و همکاری در عین نیاز شدید به آن، تضعیف پایگاه اجتماعی قالیباف در مقایسه با فعالان سایر بخش‌ها و رونق روش دستمزدبافی پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داده است که اکثریت قریب به اتفاق افراد در روش «دستمزدبافی» مشغول به کارند و این موضوع از کیفیت محصول می‌کاهد و تمام توجه بافندگان را به کمیت معطوف می‌دارد. همچنین «آموزش سنتی» و انتقال مهارت به شکل سینه به سینه و از طریق مادران و خویشاوندان، مهم‌ترین

روش شکل‌گیری مهارت و توان فنی قالب‌بافان است. همچنین نبودن نظارت کافی و مؤثر کارفرمایان در سیستم دستمزدی بافی، سرمایه‌گذاری اندک تعاونی‌ها و نهادهای دولتی در فرآیند تهیه مواد اولیه از یک سو و ناسالم بودن شبکه توزیع مواد اولیه مورد نیاز صنعت فرش ترکمن از سوی دیگر موجب شده است که بافندگان از مواد نامرغوب استفاده کنند و این موضوع نیز باعث افت کیفیت فرش می‌شود.

شم‌آبادی و حسینی (۱۳۸۶) عوامل رکود در صنعت فرش دستباف ایران را متأثر از ضعف عملکرد و ضعف کارآیی در ابعاد سازمانی، ساختاری، مدیریتی و به‌ویژه تجاری و بازرگانی می‌دانند. بدین معنا که فرش دستباف ایران دوران افول و رکود شکننده‌ای را در عرصه رقابت‌های جهانی می‌پیماید و اکنون در شرایط بحرانی به سر می‌برد. از طرفی بی‌توجهی به اصول و مبانی بازاریابی و تجارت، که دربرگیرنده فرآیند تولید آن نیز می‌شود، مزیت‌های رقابتی فرش دستباف را در داخل و به‌ویژه در سطح جهانی با مخاطرات جدی مواجه کرده است. تجربه موفق دیگر کشورها حاکی از توجه آن‌ها به واقعیت‌های محیط تجارت و دیگر عوامل تأثیرگذار است (شم‌آبادی و حسینی ۱۳۸۶، ۳).

رضوانی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی‌ای با عنوان «شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود صنعت قالببافی در نواحی روستایی شهرستان ملایر» نتیجه‌گیری کردند که بر اساس دیدگاه پاسخگویان مهم‌ترین علت رکود صنعت قالببافی در روستاهای مورد مطالعه «گرایش خانواده‌های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی و ناهمخوانی آن با سبک و شیوه زندگی و معیشت سنتی در روستا» و کم‌اهمیت‌ترین علت نیز «مشکلات بهداشتی قالببافی به سبک سنتی در خانه» است.

دهقانی فیروزآبادی (۱۳۷۷) در پایان‌نامه‌ای با

عنوان «بررسی علل افت سهم بازار جهانی فرش ایران نسبت به رقبا و ارائه راهکارهای مناسب برای بهبود آن» نتیجه می‌گیرد که صادرکنندگان به آمیخته تشویق و ترفیع توجه کافی مبذول نمی‌دارند و همچنین آن‌ها به شیوه‌های سنتی وارد بازار هدف می‌شوند و قبل از ورود توجه چندانی به محدودیت‌های بازرگانی، وضعیت اقتصادی بازارهای هدف، وضعیت رقبا و نیز به اختلافات بین کانال‌های توزیع در کشورهای مختلف ندارند (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۷۷).

با توجه به تحولات اقتصادی و مشکلات چند دهه گذشته در زمینه تولید فرش دستباف روستایی، از جمله در منطقه مورد مطالعه، این پژوهش با رویکرد علت‌شناسانه، شناخت و تحلیل علل رکود صنعت قالببافی در چهار دهستان بخش مرکزی شهرستان گنبد کاووس را ریشه‌یابی می‌کند و در این مورد از دیدگاه کارشناسان و مردم محلی بهره می‌گیرد. بر این مبنا، پرسش اصلی پژوهش این است: مهم‌ترین علل مؤثر بر رکود صنعت قالببافی در منطقه مورد مطالعه کدام‌اند؟

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری جایگاه فرش در اقتصاد ملی و اشتغال‌زایی

فرش دستبافت ایران متأثر از ویژگی‌های برجسته فرهنگی و هنری آن در سده‌ها و دهه‌های گذشته، همواره به عنوان یکی از کالاهای برجسته در سبد صادرات غیرنفتی ایران مطرح بوده و است، به طوری که طی سال‌های متمادی اولین و بالاترین ردیف ارزآوری در صادرات ایران و حدود ۷ درصد اشتغال کل کشور و معیشت چند میلیون نفر را به خود اختصاص داده است (هاشمی ۱۳۷۴، ۱۸۰).

متأسفانه به دلیل معایب اساسی در ابعاد سازمانی، ساختاری، مدیریتی، تولیدی، و به‌ویژه تجاری و بازرگانی، فرش ایران دوران افول و رکورد شکننده‌ای



را در عرصه رقابت‌های جهانی می‌پیماید و اکنون در شرایط بحرانی خاصی به سر می‌برد. از طرفی، بی‌توجهی به اصول و مبانی بازاریابی و تجارت، که دربرگیرنده فرآیند تولید آن نیز می‌شود، مزیت‌های رقابتی فرش دستبافت را در داخل و به‌ویژه در سطح جهانی با مخاطرات جدی مواجه کرده است. تجربه موفق دیگر کشورها حاکی از توجه آن‌ها به واقعیت‌های محیط تجارت و دیگر عوامل تأثیرگذار است (شم‌آبادی و حسینی ۱۳۸۶). مهم‌ترین جنبه‌های اقتصادی فرش دستبافت را می‌توان در اشتغال‌زای، تحصیل ارز و کمک به بهبود اقتصاد روستا دانست. فرش دستبافت به علت مرغوبیت و کاربری و قیمت تمام‌شده بالای آن، بیشتر مصرف خارجی دارد و بازار صادراتی آن نسبت به بازار داخلی بسیار گسترده‌تر است (عصاری آرانی و رضاقلی‌زاده ۱۳۸۸، ۴۷). بنابراین هر گونه رکود در بازار صادراتی آن منجر به بیکاری و کاهش درآمد در میان بسیاری از شاغلین صنعت فرش می‌گردد. با این استدلال گسترش بازارهای صادراتی فرش اثر مثبتی بر افزایش رفاه و بالا رفتن درآمد سرانه روستائیان خواهد داشت. در شرایط کنونی اقتصاد، ایجاد اشتغال یکی از محورهای مهم سیاست‌های دولت محسوب می‌شود. صنعت فرش دستبافت یکی از صنایع کاربر است که با هزینه‌های ثابت اندک و با استفاده از تجهیزات ساده در کارگاه‌های خانگی موجب اشتغال‌زایی قابل ملاحظه‌ای در اقتصاد کشور می‌شود، این صنعت علاوه بر قالبیابی فعالیت‌ها و مشاغل جانبی دیگری را نیز در برمی‌گیرد که نرخ اشتغال‌زایی این صنعت را افزایش می‌دهد، از جمله مشاغل جانبی می‌توان به کار نخ‌ریس، نخ‌تاب، رنگ فروش، رنگرز، طراح، چله کش، گره‌زن، صادرکننده و بازرگان اشاره کرد.

تاریخچه فرش دستبافت ترکمن

فرش آینه‌ای زنده از فرهنگ ترکمن‌ها در طول تاریخ و از جمله نشانه‌های فرهنگ و تمدن عمیق و تنومندی است که نه تنها در مقابل هجوم بیگانگان و اقوام مختلف داخلی و خارجی سخت مقاومت کرده بلکه به گونه‌ای رفتار کرده که فرهنگ تحمیل بیگانه را در خود حل کرده و به آن سیمای ترکمنی بخشیده است؛ تا آن‌جا که تاریخ یاد می‌کند، ترکمن با فرش و فرش با ترکمن شهرت داشته است.

سال‌ها پیش یکی از قبایل ترکمن به نام تکه که بهترین قالبیافتن ترکمن را داشتند با چادر و اثاثیه از ترکمنستان به مناطق شمالی ایران مهاجرت کردند، مکانی که هنوز هم هنر سنتی خود را حفظ کرده‌اند و در آن زندگی می‌کنند. قالی‌های ترکمن را اغلب زنان و با کیفیت بالا و سرعت نسبتاً زیاد می‌بافند.

امروزه گلستان و ترکمن با فرش و قالی ترکمن شهرت جهانی دارد و این شهرت مرهون تلاش زنان و دختران بی‌نام و نشان و هنرپردازی است که با هر تار و پود تابلویی از عشق و شیدایی را به تصویر می‌کشند. «گول» نقش اصلی فرش ترکمن است که بافته‌های هر قوم با آن از بافته‌های اقوام دیگر متمایز می‌شود و پشم و پنبه از مواد اولیه برای تولید این هنر ماندگار است (غفاری ۱۳۹۰، ۱۴۵).

دودین معتقد است قالی ترکمنی با قالی فارس و قفقاز به کلی تفاوت دارد، خصوصاً در طرز بافت قالی ترکمن و فارس تفاوت فاحشی وجود دارد. این تفاوت‌ها در نوع استفاده از نخ و ابریشم، رنگ‌آمیزی، سطوح قالی‌ها و ابزار مورد استفاده در بافت وجود دارد. ساریانید نیز معتقد است قالی‌های ترکمنی به نقش‌های انسان‌های نخستین این مرز و بوم شبیه است که این شباهت قالی ترکمنی را از قالی‌های فارسی و قفقازی کاملاً متمایز می‌کند (دوغدیف ۱۳۷۶، ۲۶).

آنچه حائز اهمیت است، تنوع نقش‌ها و الگوهای مختلفی است که در بین ترکمن‌ها به دلیل تنوع در ایل‌ها، قوم‌ها و تیره‌ها وجود داشته و آن را به عنوان یکی از زیباترین فرش‌های دستباف به موزه‌های معتبر و مجموعه‌های نفیس معرفی کرده است. اصولاً فرش عشایری در طبیعت و زیر پای عشایر زود از بین می‌رود، اما چشمگیری این نوع فرش باعث شده است که بیش از هر فرش دیگری در غرب و شرق جهان در مورد فرش ترکمن به عنوان یک شاخص معتبر نوشته شود و به یادگار بماند (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۸۹، ۱).

شمار نقش‌های فرش ترکمن کم نیست، مخصوصاً اگر تنوع نقش در ایل‌های مختلف در نظر گرفته شود و رنگ نیز در بافته‌های ترکمن (فرش دستباف) بسیار محدود است. رنگ‌آمیزی فرش ترکمن شباهتی به رنگ‌آمیزی فرش سایر نقاط ایران ندارد، بر همین اساس نمی‌توان فرش ترکمن را با سایر فرش‌های دستباف مقایسه کرد یا اشتباه گرفت.

از دیگر خصیصه‌های فرش دستباف ترکمن، هندسی بودن نقش و نگاره‌های آن است که در فرش‌های بزرگ به‌ویژه مرزبندی حاشیه و زمینه بسیار نمایان است. فرش دستباف ترکمن با ابعاد و ارزش‌های برجسته اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن تولید و عرضه می‌شود، این در حالی است که به سبب نابسامانی‌های موجود در داخل کشور و شرایط رقابتی برای صادرات آن در بازارهای هدف، صادرات این کالا با مشکل روبه‌روست، به طوری که از سال‌ها قبل سیر نزولی داشته است.

جایگاه و نقش تعیین‌کننده و همچنین هدایت‌گر تولید بر مبنای صادرات (تولید صادرات‌محور یا تولید صادراتی) فرش دستباف برای ارتقای کیفیت و انطباق با خواست، نیاز و ترجیحات مشتریان و خریداران، امری است که تاکنون از آن غفلت شده است. متأسفانه

در تولید حجم عمده‌ای از فرش دستباف ترکمن (جزء مواردی انگشت‌شمار) معیارها، نگاه کلان و فرآیندی برای تولید با مزیت رقابتی مبتنی بر اصول بازاریابی و نگاه مشتری‌مداری در نظر گرفته نشده و توجه کافی به این مهم نشده است و عموماً تولیدکنندگان پس از تولید در گرداب مشکلات عدیده‌ای از عوامل مختلف (از جمله عوامل رقابتی، قیمتی، کیفیت و ...) قرار می‌گیرند و در سطح رقابت بین‌المللی نیز رقیب صادرکنندگانی می‌شوند که با تکیه بر آخرین دستاوردهای علمی و فناوری اقدام به تولید کرده‌اند و، ضمن بهره‌گیری از برجستگی‌های هنری فرش، تولیدات خود را با موفقیت به فروش می‌رسانند (همان، ۷۲).

روش تحقیق

پژوهش حاضر در دو مرحله انجام شده است. در مرحله نخست دیدگاه کارشناسان مرتبط با تولید فرش دستباف ترکمن در قلمرو شهرستان گنبد کاووس درباره علل رکود صنعت قالیبافی در نواحی روستایی مطالعه شد. در مرحله دوم بر پایه علل شناسایی شده در مرحله نخست دیدگاه مردم محلی در مورد علل یادشده تجزیه و تحلیل شد. ابزارهای اصلی مورد استفاده به ترتیب شامل مصاحبه نیمه‌ساخته یافته و پرسشنامه است. در گام نخست به منظور شناخت عوامل مؤثر بر رکود فعالیت قالیبافی در روستاهای مورد مطالعه، ۲۶ مصاحبه به روش نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان و خبرگان فرش دستباف روستایی شهرستان گنبد کاووس به عمل آمد. مصاحبه‌شوندگان شامل ۷ فروشنده فرش دستباف، ۵ کارشناس اداره جهاد کشاورزی شهرستان، ۳ کارشناس فرش از آموزشگاه‌های فرش، ۲ طراح فرش ترکمن و ۹ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه در رشته‌های مرتبط با تولید، طراحی و بازاریابی فرش دستباف بوده‌اند. در



مصاحبه نیمه ساختاریافته، سؤالات اصلی مصاحبه از پیش طرح می‌شوند، اما، در مقایسه با روش مصاحبه ساختاریافته، «انعطاف‌پذیری» دارد، به طوری که پژوهشگر برای رسیدن به پاسخ پرسش‌های اصلی از پیش طرح شده می‌تواند پرسش‌های دیگری نیز بسته به شرایط مصاحبه مطرح کند (Cousin 2009: 71-72). بنابراین، در مرحله نخست پژوهش، از مصاحبه‌شوندگاندر مورد مهم‌ترین دلایل رکود صنعت قالیبافی در روستاهای مورد مطالعه پرسش شد.

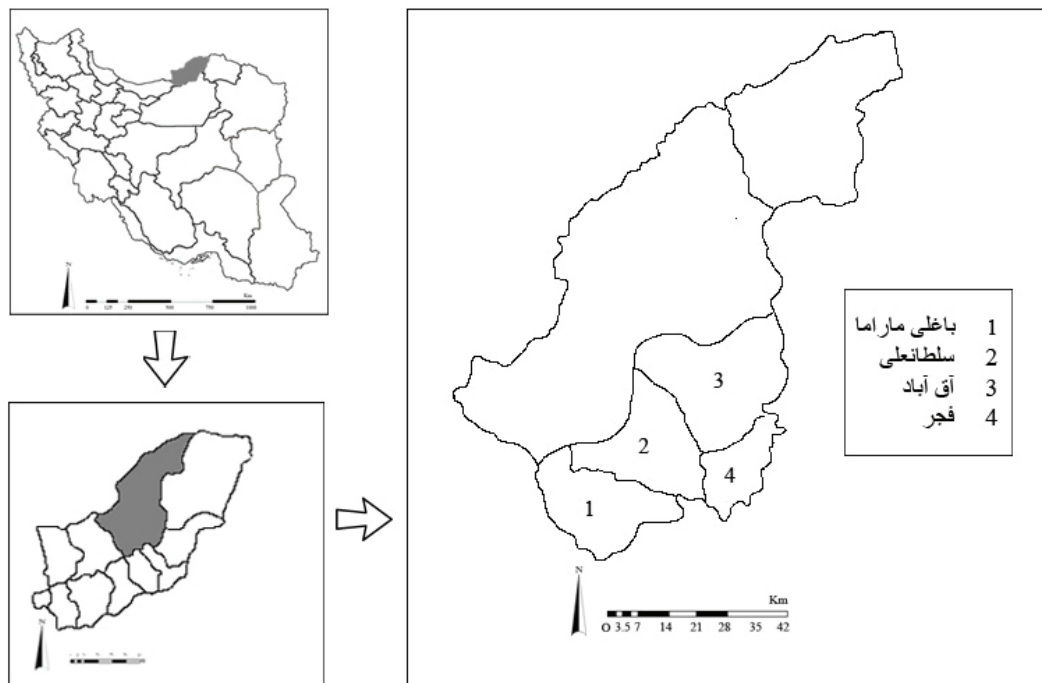
بر این اساس پس از پالایش و تحلیل محتوای متن مصاحبه‌ها ۱۶ عامل تأثیرگذار بر رکود فعالیت قالیبافی، به عنوان وجه اشتراک دیدگاه اکثریت مصاحبه‌شوندگان، شناسایی شد. در ادامه بر پایه ۱۶ علت شناسایی شده پرسشنامه پژوهش طراحی شد تا دیدگاه فرشبافان روستایی در مورد میزان اثرگذاری علل ذکر شده شناسایی و تجزیه و تحلیل شود؛ پاسخ‌ها با استفاده از طیف لیکرت شامل ۵ گزینه بود که به ترتیب اهمیت از شماره ۱ تا ۵ در نظر گرفته شد. جامعه آماری پژوهش در این مرحله شامل همه خانوارهای روستایی بود که در زمان انجام پژوهش یا پیش‌تر از آن به قالیبافی اشتغال داشته‌اند.

با توجه به این‌که به طور سنتی در منطقه مورد مطالعه قالیبافی بخشی از فعالیت اقتصادی زنان روستایی به شمار می‌آید، پاسخگویان پرسشنامه پژوهش نیز از جمعیت زنان انتخاب شدند و به منظور تسهیل ارتباط با پاسخگویان از دو نفر پرسشگر زن ترکمن آشنا به زبان و فرهنگ ترکمنی استفاده شد. سرانجام از ۱۰ روستای واقع در چهار دهستان

بخش مرکزی شهرستان گنبد کاووس، ۲۷۰ عدد پرسشنامه به دست آمد. سپس از آزمون تی تک‌نمونه برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه و درک اهمیت و رتبه هر یک از علل شانزده‌گانه- در مقایسه با یکدیگر- بر اساس دیدگاه جامعه محلی استفاده شد. در پایان نیز روش خوشه‌بندی سلسله مراتبی برای طبقه‌بندی علل رکود صنعت قالیبافی در روستاهای مورد مطالعه به کار رفت. بنابراین، مجموعه علل شناخته‌شده بر پایه میزان تأثیر-گذاری خوشه‌بندی شدند.

محدوده و قلمرو پژوهش

شهرستان گنبد کاووس با جمعیتی بالغ بر ۳۲۵۷۸۹ نفر بر اساس آخرین تقسیمات کشوری ۲ بخش، ۶ دهستان، ۱۶۷ آبادی دارای سکنه و ۱۰ آبادی خالی از سکنه دارد (مرکز آمار ایران ۱۳۹۰). بخش‌های این شهرستان شامل بخش مرکزی به مرکزیت شهر گنبد کاووس متشکل از ۴ دهستان به نام آق‌آباد، باغلی مراما، سلطانعلی و فجر و بخش داشلی‌برون به مرکزیت شهر اینچه برون شامل ۲ دهستان اترک و کرند است. شهرستان گنبد کاووس با داشتن ۳۰ درصد از سهم تولید دستبافته‌های استان گلستان بیشترین سهم را در بین شهرستان‌های این استان به خود اختصاص داده است. روستاهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر از توابع دهستان‌های سلطانعلی، فجر، آق‌آباد و باغلی ماراما واقع در بخش مرکزی شهرستان گنبد کاووس هستند (نقشه شماره ۱). همچنین در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیتی روستاهای مورد مطالعه آورده شده است.



شکل ۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه در کشور و استان گلستان و شهرستان گنبد کاووس (منبع: استانداری گلستان، ۱۳۹۴)

جدول ۱. جمعیت و نمونه منتخب روستاهای مورد مطالعه واقع در بخش مرکزی شهرستان گنبد کاووس (مرکز آمار ایران ۱۳۹۰)

دهستان	روستا	جمعیت	تعداد خانوار	نمونه منتخب
آق آباد	آق آباد	۴۸۹۹	۱۲۵۹	۲۹
	امان قرجه	۹۲۱	۲۳۷	۲۵
فجر	پلی حاجی	۲۷۲۲	۶۹۷	۲۵
	حاجی لر قلعه	۲۹۹۲	۷۴۸	۲۵
سلطانعلی	آقچلی سفلی	۱۱۸۵	۲۹۶	۲۶
	گدم آباد	۷۲۸۶	۱۷۵۶	۳۵
	قلندر آباد بالا	۱۱۸۶	۲۷۹	۲۷
	قلندر آباد پایین	۹۵۴	۲۳۵	۲۵
باغلی ماراما	باغلی ماراما	۲۲۸۶	۵۴۵	۲۶
	کاکا	۱۰۹۹	۵۵۴	۲۷
مجموع		۲۵۵۶۶	۶۳۶۹	۲۷۰

بحث اصلی

به منظور تحلیل عوامل اثرگذار بر رکود صنعت قالیبافی در منطقه مورد مطالعه و بررسی میزان تأثیر آن‌ها از دیدگاه مردم محلی پرسشنامه پژوهش بر مبنای یافته‌های مرحله نخست پژوهش طراحی و اجرا شد. نتیجه نهایی ۲۷۰ عدد پرسشنامه گردآوری شده از ۱۰ روستای مورد مطالعه، بر اساس نمونه‌گیری کلی به تصادفی-سیستماتیک، به شرح جدول شماره ۱ است. تنها ۱۱ درصد از پاسخگویان مدرک دیپلم و بالاتر داشتند که این امر بیانگر پایین بودن سطح سواد جامعه پاسخگو است. همچنین بر پایه یافته‌های ۲۷۰ پرسشنامه مشخص شد که تنها ۸۴ خانوار، برابر با ۳۱/۱ درصد پاسخگویان، در زمان تحقیق در زمینه پژوهش به قالیبافی اشتغال دارند و سایر پاسخگویان صرفاً از سابقه فعالیت در این زمینه برخوردارند. بنابراین، صنعت قالیبافی از چرخه درآمد خانوار آن‌ها حذف شده است. این وضعیت به روشنی بیانگر رکود صنعت قالیبافی در روستاهای مورد مطالعه است.

از آزمون تی تک‌نمونه برای تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه و شناخت اهمیت هر یک علل شانزده‌گانه در رکود صنعت فرش‌بافی استفاده شد (جدول شماره ۲). ارزش تی به طور مستقل برای همه پرسش‌ها در طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای برابر با عدد ۳ به عنوان میانه مطلوب محاسبه شد. به طور کلی، بر پایه یافته‌های مندرج در جدول شماره ۲ خلاصه یافته‌های این بخش از پژوهش را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- سطح معناداری محاسبه‌شده در ناحیه آلفای ۰/۰۵ برای ۹ مقوله برابر با ۰/۰۰۰ است که نشان‌دهنده

توافق معنادار نگرش همه پاسخگویان در مورد وضعیت علل نه‌گانه در زمینه رکود صنعت قالیبافی در روستاهای مورد مطالعه است. در ۴ مورد از علل رکود صنعت فرش‌بافی شامل «رکود درآمدی به دلیل رشد نامناسب قیمت فرش دستباف در مقایسه با دیگر کالاها»، «بهره‌وری کمتر فرش‌بافی در مقایسه با دیگر فعالیت‌های اقتصادی»، «گرایش خانواده‌های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی» و «مشکلات بازاریابی فرش دستباف در مقیاس خرد و کلان» در منطقه مورد مطالعه تفاوت معناداری میان ادراکات پاسخگویان مشاهده نمی‌شود. اما در خصوص ۳ مقوله «عقب‌ماندگی فنی و تکنولوژیکی در تولید فرش دستباف»، «مهاجرت روستا- شهری و کاهش تعداد جمعیت فرش‌باف روستایی» و «مشکلات بازاریابی فرش دستباف در مقیاس خرد و کلان»، میانگین پاسخ‌ها از ارزش تی یا میانه مطلوب کمتر بوده که این امر بیانگر عدم توافق و تأیید دیدگاه کارشناسان از سوی پاسخگویان است. پاسخگویان این عوامل را دلایل رکود فرش دستباف ترکمن نمی‌دانند. - نتایج رتبه‌بندی علل شانزده‌گانه نشان می‌دهد که مقوله‌های «ضعف سیاست‌های حمایتی دولت از فرش‌بافان» و «ضعف جنبه‌های اقتصادی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی» به ترتیب بیشترین تأثیر را بر رکود صنعت فرش‌بافی، و مقوله‌های «ضعف خلاقیت و نوآوری در زمینه طرح، رنگ، نقشه و کیفیت مواد اولیه» و «عقب‌ماندگی فنی و تکنولوژیکی در تولید فرش دستباف» به ترتیب کمترین تأثیر را بر رکود صنعت فرش‌بافی در روستاهای مورد مطالعه دارد.

جدول ۲. نتایج آزمون تی برای هر یک از علل شانزده گانه و ترتیب رتبه (منبع: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۴)

رتبه	سطح معناداری	خطای استاندارد	آماره	میانگین	رتبه	علل رکود صنعت قالبیابی
۶	۰/۰	۰/۱۰۶	۱/۷۴	۳/۶۷	۳	دستیابی روستاییان به منابع معیشتی جدید
۱۵	۰/۰	۰/۰۷۸	۱/۲۸۲	۱/۵۸	۳	عقب ماندگی فنی و تکنولوژیکی در تولید فرش دستباف
۹	۰/۰۰۰	۰/۱۰۳	۱/۶۹۹	۳/۴۰	۳	کمرنگ شدن سهم زنان در تأمین درآمد خانوار
۱۱	۰/۳۳۱*	۰/۱۱۸	۱/۹۳۹	۳/۱۱	۳	رکود درآمدی به دلیل رشد نامناسب قیمت فرش دستباف در مقایسه با دیگر کالاها
۱۰	۰/۲۹۷*	۰/۱۱۷	۱/۹۲۳	۳/۱۲	۳	بهره‌وری کمتر فرشبافی در مقایسه با دیگر فعالیت‌های اقتصادی
۱۳	۰/۴۳۰*	۰/۱۰۳	۱/۶۹۴	۲/۹۲	۳	گرایش خانواده‌های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی
۴	۰/۰۰۰	۰/۰۸۷	۱/۴۳۱	۴/۱۳	۳	تمایل نداشتن دختران جوان روستایی به فرشبافی
۳	۰/۰۰۰	۰/۰۸۳	۱/۳۶	۴/۱۴	۳	زوال فرایند آموزش نسل به نسل مهارت‌های فرشبافی
۸	۰/۰۰۰	۰/۰۸۵	۱/۴۰۰	۳/۴۱	۳	مشکلات بهداشتی فرشبافی به سبک سنتی در خانه
۱۴	۰/۰۰۰	۰/۱۰۴	۱/۷۰۷	۲/۳۱	۳	مهاجرت روستا- شهری و کاهش تعداد جمعیت فرشباف روستایی
۷	۰/۰۰۰	۰/۰۸۴	۱/۳۸۱	۳/۸۵	۳	سختی کار قالبیابی و آسیب‌های جسمی ناشی از آن
۱۶	۰/۰۰۰	۰/۰۵۸	۰/۹۵۳	۱/۳۴	۳	ضعف خلاقیت و نوآوری در زمینه طرح، رنگ، نقشه و کیفیت مواد اولیه
۵	۰/۰۰۰	۰/۰۹۵	۱/۵۶	۴/۰۹	۳	افزایش قیمت و گرانی مواد اولیه تولید فرش دستباف
۲	۰/۰۰۰	۰/۰۹۳	۱/۵۲۹	۴/۲۷	۳	ضعف جنبه‌های اقتصادی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی
۱	۰/۰۰۰	۰/۰۹۰	۱/۴۷۳	۴/۳۳	۳	ضعف سیاست‌های حمایتی دولت از فرشبافان
۱۲	۰/۴۵۵*	۰/۱۰۹	۱/۷۹۲	۲/۹۳	۳	مشکلات بازاریابی فرش دستباف در مقیاس خرد و کلان

عاملی مقدار ویژه بیشتر از عدد ۱، و همچنین بار عاملی بیشتر از عدد ۰/۴ مبنای استخراج عوامل قرار گرفت. از شیوه چرخش واریماکس^۲، به عنوان روش اصلی در تحلیل عاملی اکتشافی برای چرخش عوامل استفاده و در نهایت ۵ عامل استخراج شد.

چرخش واریماکس برای نیل به ساختار ساده‌تر (تفکیک گویه‌های با بار عاملی بالا از گویه‌های با بار عاملی صفر و منفی) بر اساس بیشینه‌سازی مجموع واریانس‌های بارهای مجذور شده بر روی ستون‌های ماتریس عاملی است. در واقع چرخش واریماکس از نوع متعامد است و در مواقعی به کار می‌رود که در

برای اجرای تحلیل عاملی اکتشافی در گام نخست برای اطمینان از کفایت نمونه‌گیری و تشخیص مناسب بودن داده‌ها، آزمون کایزر مایر (KMO) و بارتلت به کار رفت؛ با توجه به این‌که شاخص کایزر مایر برابر با ۰/۷۰۴ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ به دست آمد، نتایج آزمون کفایت حجم نمونه و مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی را نشان داد.

از تحلیل عاملی اکتشافی به روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی (PCA^۱) برای تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی علل رکود صنعت فرشبافی در منطقه مورد مطالعه ذیل عوامل کلی به کار رفت. در اجرای تحلیل



نظر است تأثیر چند عامل مستقل بر روی یک عامل وابسته مطالعه شود.

میانگین، انحراف معیار، بارعاملی، مقدار ویژه، درصد واریانس تبیین شده برای هر یک از ۱۶ علل رکود صنعت فرشهای استخراج شد (جدول ۳). پس از استخراج عامل ها، برای سنجش اعتبار و همبستگی درونی عامل های استخراج شده ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از آن ها به طور جداگانه محاسبه شد.

عامل نخست بیشترین مقدار ویژه برابر با ۳/۹، بیشترین درصد واریانس تبیین شده برابر ۱۴/۹۷ درصد و ضریب پایایی برابر ۰/۸۰ را دارد و سه مورد از علل رکود فرش ترکمن را در بر می گیرد که اغلب با ضعف سیاست های حمایتی و برنامه ریزی دولت ارتباط دارند. این عوامل به ترتیب شامل ضعف سیاست های حمایتی دولت از فرش بافان (بیمه و...) و ناکارآمدی نهادهای مسئول در این زمینه، ضعف نظام برنامه ریزی توسعه روستایی در رونق بخشی به تولید صنعت فرش دستباف و افزایش قیمت و گرانی مواد اولیه تولید فرش دستباف هستند. مطابق ترکیب و تنوع علل رکود صنعت فرش دستباف موجود در عامل نخست، ترکیب واژگان «مشکلات ساختار کلان اقتصادی و نظام برنامه ریزی توسعه روستایی» برای توصیف و نام گذاری آن استفاده شد.

عامل دوم با مقدار ویژه برابر با ۲/۱۷، درصد واریانس تبیین شده برابر ۱۳/۴۱ درصد و ضریب پایایی برابر ۰/۷۷ را دارد و سه مورد از علل رکود فرش ترکمن را در بر می گیرد که اغلب با بهره وری پایین فرش دستباف ارتباط دارند. این عوامل به ترتیب شامل بهره وری کمتر فرش بافی در مقایسه با دیگر فعالیت های اقتصادی، رکود درآمدی به دلیل رشد نامناسب قیمت فرش دستباف در مقایسه با دیگر کالاهای تولیدی و مشکلات بازاریابی فرش دستباف در مقیاس خرد و کلان هستند. مطابق ترکیب و تنوع علل رکود صنعت

فرش دستباف موجود در عامل دوم، ترکیب واژگان «مشکلات بازاریابی و بهره وری اقتصادی فرش» برای توصیف و نام گذاری آن استفاده شد.

عامل سوم با مقدار ویژه برابر با ۱/۸، درصد واریانس تبیین شده برابر ۱۲/۴۲ درصد و ضریب پایایی برابر ۰/۷۴ را دارد و چهار مورد از علل رکود فرش ترکمن را در بر می گیرد که اغلب با تغییر سبک و شیوه زندگی روستاییان ارتباط دارند. این عوامل به ترتیب شامل کم رنگ شدن سهم زنان در تأمین درآمد خانوار به دلیل دسترسی بیشتر مردان به منابع معیشتی خارج از روستا، دستیابی روستاییان به منابع معیشتی جدید در دیگر بخش های اقتصادی، گرایش خانواده های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی، و مهاجرت های روستا- شهری و کاهش تعداد جمعیت فرش باف روستایی هستند. مطابق ترکیب و تنوع علل رکود صنعت فرش دستباف موجود در عامل سوم، ترکیب واژگان «مشکلات تغییر سبک زندگی و ساختار معیشت روستایی» برای توصیف و نام گذاری آن استفاده شد.

عامل چهارم با مقدار ویژه برابر با ۱/۶، درصد واریانس تبیین شده برابر ۱۲/۴۱ درصد و ضریب پایایی برابر ۰/۹۷ را دارد و دو مورد از علل رکود فرش ترکمن را در بر می گیرد که اغلب با زوال فرآیند آموزش فرش دستباف ارتباط دارند. این عوامل به ترتیب شامل تمایل نداشتن جوانان و به ویژه دختران جوان روستایی به فرش بافی و یادگیری مهارت های آن و زوال فرایند آموزش نسل به نسل مهارت های فرش بافی در خانه و جایگزین نشدن نظام جدید آموزش فرش دستباف هستند. مطابق ترکیب و تنوع علل رکود صنعت فرش دستباف موجود در عامل چهارم، ترکیب واژگان «مشکلات آموزش و نوآوری در تولید فرش» برای توصیف و نام گذاری آن استفاده شد.

عامل پنجم با مقدار ویژه برابر با ۱/۴، درصد

واریانس تبیین شده برابر ۹/۷۹ درصد و ضریب پایایی برابر ۰/۶۲ را دارد و چهار مورد از علل رکود فرش ترکمن را در بر می گیرد که اغلب با ضعف شیوه های تولید ارتباط دارند. این عوامل به ترتیب شامل مشکلات بهداشتی فرش بافی به سبک سنتی در خانه، سختی کار قالبیابی و آسیب های جسمی ناشی از آن، ضعف خلاقیت و نوآوری در زمینه طرح، رنگ، نقشه

و کیفیت مواد اولیه و عقب ماندگی فنی و تکنولوژیکی در تولید فرش دستباف هستند. مطابق ترکیب و تنوع علل رکود صنعت فرش دستباف موجود در عامل پنجم، ترکیب واژگان «مشکلات کیفیت محیط کار و کیفیت محصولات تولید شده» برای توصیف و نام گذاری آن استفاده شد.

جدول ۳. تحلیل عاملی علل رکود صنعت فرش بافی (منبع: یافته های پژوهش)

عامل	میانگین	انحراف معیار	بار عاملی	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	آلفای کرونباخ
ضعف سیاست های حمایتی دولت از فرش بافان (بیمه و...) و ناکارآمدی نهادهای مسئول در این زمینه	۴/۳۳	۱/۴۷	۰/۸۷	۳/۹	۱۴/۹۷	۰/۸۰
ضعف نظام برنامه ریزی توسعه روستایی در رونق بخشی به تولید صنعت فرش دستباف	۴/۲۷	۱/۵۲	۰/۸۶			
افزایش قیمت و گرانی مواد اولیه تولید فرش دستباف	۴/۰۹	۱/۵۶	۰/۷۴			
بهره دوری کمتر فرش بافی در مقایسه با دیگر فعالیت های اقتصادی	۳/۱۲	۱/۶۹	۰/۹۶	۲/۱۷	۱۳/۴۱	۰/۷۷
رکود درآمدی به دلیل رشد نامناسب قیمت فرش دستباف در مقایسه با دیگر کالاهای تولیدی	۳/۱۱	۱/۹۳	۰/۹۶			
مشکلات بازاریابی فرش دستباف در مقیاس خرد و کلان	۲/۹۲	۱/۷۸	۰/۴۳			
کم رنگ شدن سهم زنان در تأمین درآمد خانوار به دلیل دسترسی بیشتر مردان به منابع معیشتی خارج از روستا	۳/۴۰	۰/۶۹	۰/۷۶	۱/۸۰	۱۲/۴۲	۰/۷۴
دست یابی روستاییان به منابع معیشتی جدید در دیگر بخش های اقتصادی	۳/۶۷	۱/۷۴	۰/۷۳			
گرایش خانواده های روستایی به سبک، شیوه و فرهنگ زندگی شهرنشینی	۲/۹۲	۱/۹۲	۰/۶۰			
مهاجرت روستا- شهری و کاهش تعداد جمعیت فرش باف روستایی	۲/۳۱	۱/۷۰	۰/۵۶			
تمایل نداشتن جوانان و به ویژه دختران جوان روستایی به فرش بافی و یادگیری مهارت های آن	۴/۱۳	۱/۴۳	۰/۹۷	۱/۶۰	۱۲/۴۱	۰/۹۷
زوال فرایند آموزش نسل به نسل مهارت های فرش بافی در خانه و جایگزین نشدن نظام جدید آموزش فرش دستباف	۴/۱۴	۱/۳۶	۰/۹۶			
مشکلات بهداشتی فرش بافی به سبک سنتی در خانه	۳/۴۱	۱/۴۰	۰/۷۰	۱/۴۰	۹/۷۹	۰/۶۲
سختی کار قالبیابی و آسیب های جسمی ناشی از آن	۳/۸۵	۱/۳۸	۰/۶۷			
ضعف خلاقیت و نوآوری در زمینه طرح، رنگ، نقشه و کیفیت مواد اولیه	۱/۳۴	۰/۹۵	۰/۴۷			
عقب ماندگی فنی و تکنولوژیکی در تولید فرش دستباف	۱/۵۸	۱/۲۸	۰/۴۶			

مجموع واریانس تبیین شده = ۶۳/۰۰

حجم نمونه = ۲۷۰

آلفای کرونباخ کل = ۰/۷۰



■ نتیجه گیری

با توجه به تزلزل و پایان پذیری درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفتی و نبودن برنامه ریزی کارا بر روی این درآمدها، اهمیت تشویق صادرات غیرنفتی و از آن جمله فرش دستباف، به عنوان مهم ترین کالای صادراتی غیرنفتی در ایران، روز به روز قوت می یابد (احمدی ۱۳۷۸، ۱). قالیبافی در ایران با حمل عناوینی چون بردار فرهنگ ملی با قدمتی زیاد آمیزه ای از هنر و صنعت، آمیختگی با بخش های متنوع تولیدی و خدماتی به عنوان فعالیتی کاربر، کارآفرین، حرفه عمده تا خانگی (خانگی-روستایی) ارزش و از ارزش افزوده هنگفتی برخوردار است. همچنین از مزیت نسبی در سطح جهانی، حرفه بومی و محلی با راه و رسم بافندگی هر ناحیه (بافتگاه)، دستخوش تغییرات، تحولات و نهایتاً در معرض افت و خیزهایی به ویژه در سال های اخیر در جنبه های تولید و تجارت قرار گرفته است (طالقانی ۱۳۸۰، ۱). صنعت فرش دستباف از دیرباز نقش مهمی در حیات اقتصادی جامعه ایران، به ویژه در نواحی روستایی، داشته است، به طوری که ایران همواره سرآمد کشورهای جهان در زمینه تولید انواع قالی و قالیچه های دستباف بوده و در دهه های تاریخ معاصر فرش دستباف از مهم ترین کالاهای صادراتی غیرنفتی ایران به شمار می آمده است. طی دهه های گذشته به دلیل تغییر و تحولات گسترده اجتماعی و اقتصادی در مقیاس کلان، از جمله ورود نفت به چرخه اقتصاد ملی و رشد شهرنشینی، دگرگونی های عمیقی نیز در ساختار سنتی اقتصاد و معیشت مردم روستایی پدید آمده است. این شرایط در بسیاری از نواحی روستایی با پیامدهای منفی همراه بوده و بستر مناسب برای بازساخت مطلوب جوامع روستایی به ویژه در ابعاد اقتصادی میسر نشده است.

یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که عمده

علل رکود و زوال صنعت قالیبافی در روستاهای مورد مطالعه ریشه در مسائل اقتصادی و ضعف سیاست های حمایتی دولت دارد. به طوری که، بر اساس دیدگاه جامعه محلی، «مشکلات ساختار کلان اقتصادی و نظام برنامه ریزی توسعه روستایی» در بالاترین مرتبه علل رکود صنعت قالیبافی در روستاهای مورد مطالعه قرار می گیرد. فقدان اولویت بندی مناسب برای راهبردهای توسعه روستایی به دلیل نگاه بالا به پایین و بی توجهی و امعان نظر کافی به تشخیص اولویت ها و نیازهای محلی با توجه به مشکلات و قابلیت های ادراکی مردم و نخبگان محلی باعث می شود تا فرشبافی به عنوان میراث فرهنگی و راهبرد معیشتی همواره موفق این ناحیه در محاق فراموشی و عدم اولویت قرار گیرد. مرتفع نمودن چنین آسیب هایی نیازمند نگاه منطقه ای و حرکت از برنامه ریزی بخشی به طرف برنامه ریزی منطقه ای و فضایی با رویکرد تأکید بر مزیت های منطقه ای و رقابتی است.

«مشکلات بازاریابی و بهره وری اقتصادی فرش» دومین علت زوال قال بافی، همسو با ضعف سیاست های حمایتی، شناسایی شده است. نتایج این بخش از تحقیق با نتایج رضوانی و همکاران (۱۳۹۲) همسو نیست. متأسفانه یکی از معضلات و مسائل مبتلا به همه بخش های اقتصادی در روستاهای کشور به طور عام و روستاهای نواحی کمتر برخوردار مانند گنبد، به طور خاص، بازاریابی تولیدات و محصولات است. تدوین راهبردهای بلندمدت مانند حمایت از تعاونی های بازاریابی و نیز در نظر گرفتن دوره های حرفه ای آموزش بازاریابی برای تولیدکنندگان در کوتاه و میان مدت به نحو تدریجی این معضل از نواحی روستایی کمک مهمی می کند.

بهره گیری از شرکت های تعاونی همچون سازمان تولیدی نقش مؤثری در آموزش بهبود کیفیت بافت فرش، طراحی و نوع مواد اولیه دارد. همچنین به تولید

فرش دستبافت جهت‌گیری مناسب می‌دهد، یعنی اگر به منظور عرضه بازارهای صادراتی بافته می‌شود، مشخصات مناسب این بازارها را در بافت فرش از لحاظ طرح، رنگ، نوع مواد اولیه و قیمت تمام‌شده را داشته باشد. ایجاد شبکه‌های زنجیره‌ای تعاونی‌های تولید فرش دستبافت و سازماندهی تولید، ایجاد روابط مناسب کاری و توزیع عادلانه درآمد، ضمن شکوفایی این صنعت، زمینه‌های رشد و توسعه سالم این صنعت را فراهم می‌کند (بتولی ۱۳۷۱، ۹۰).

«مشکلات تغییر سبک زندگی و ساختار معیشت روستایی» سومین دلیل رکود فرشبافی در منطقه مورد مطالعه است. این تغییر، همان‌طور که موجد تحولات مثبت و سازنده در نواحی روستایی و خصوصاً ایجاد چشم‌اندازهای توسعه‌ای جدید و کیفی شدن نیروی انسانی در روستاها می‌شود، در صورتی که از اندازه‌ای عبور کند و به شکل بحران مهاجرت جوانان و تحصیلکردگان و همچنین رویگردانی ایشان از مشاغل سنتی مانند نواحی روستایی مانند کشاورزی و صنایع روستایی رخ بنماید، معضلاتی مانند عوامل ذکرشده را که موجب تغییرات سبک زندگی و ساختار معیشتی می‌شوند به دنبال خواهد داشت و کم‌کم باعث زوال و نابودی این فعالیت‌ها می‌شود.

«مشکلات آموزش و نوآوری در تولید فرش» چهارمین دلیل رکود صنعت فرشبافی در منطقه مورد مطالعه است. با توجه به نتایج میرکتولی و همکاران (۱۳۸۸)، آموزش سنتی و انتقال مهارت به شکل سینه به سینه و از طریق مادران و خویشاوندان، مهم‌ترین روش شکل‌گیری مهارت و توان فنی قالیبافان ترکمن است، ایجاد نشدن این روند آموزشی رکود بیشتر این صنعت در منطقه مورد مطالعه را به دنبال داشته است. این شرایط با دیدگاه مدرنیزاسیون همخوانی دارد، به طوری که گفته می‌شود، «تحولات مدرن به دگرگونی فعالیت‌های معیشتی سنتی و شیوه زندگی

در نواحی روستایی می‌انجامد و بر این اساس لازم است برنامه‌ریزان حساسیت‌های نظام معیشت سنتی را در برابر ابعاد گسترده مدرنیزاسیون (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژیکی) دریابند تا بتوانند با ارائه برنامه‌های مناسب و راهگشا به پایداری نظام‌های معیشتی و اقتصادی جامعه از جمله در جوامع روستایی کمک کنند (Mbaiwa 2011, 1050).

«مشکلات کیفیت محیط کار و کیفیت محصولات تولیدشده» آخرین و پنجمین عامل مؤثر بر رکود فرشبافی است. امروزه، کیفیت زندگی کاری^۳ یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کارآیی نیروی کار در همه سازمان‌ها با مأموریت‌ها و ماهیت‌های مختلف است. نامطلوب بودن محیط کار در کارگاه‌های فرشبافی به دلیل سنتی بودن فضای حاکم بر تولید و معاش در این بخش، موجب شده است تا به مرور علاوه بر این‌که گرایش به سرمایه‌گذاری و فعالیت در این بخش کاهش یابد، کیفیت محصولات هم دستخوش نوسان و نزول شود و به تدریج این فعالیت را در تله رکود گرفتار کند.

بنابراین، مجموعه عللی همچون، ضعف جنبه‌های اقتصادی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی، ضعف سیاست‌های حمایتی دولت از فرشباافان و صنعت فرش دستباف روستایی، مشکلات مربوط به بازار و بازاریابی فرش دستباف در مقیاس خرد و کلان، سختی کار قال بافی، مشکلات خلاقیت و نوآوری در صنعت فرش دستباف، بهره‌وری کمتر قال بافی در مقایسه با دیگر فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه در بخش مدرن و نواحی شهری، رشد نامتناسب قیمت فرش دستباف و بنابراین رکود کسب درآمد از قال بافی، کاهش مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی خانوارهای روستایی، عقب‌ماندگی فنی و تکنولوژیکی در صنعت فرش دستباف، خروج مداوم نیروی کار از روستاها به دلیل مهاجرت از روستا به شهر و زوال



فرایند نسل به نسل آموزش مهارت‌های قالبیابی، همگی به رکود قالبیابی و تولید فرش دستباف در روستاهای مورد مطالعه انجامیده‌اند.

سرانجام آنچه از یافته‌های پژوهش برمی‌آید بیانگر این است که، چیرگی بر مشکلات گریبان‌گیر تولید فرش دستباف در ناحیه مورد مطالعه در گام نخست نیازمند نگرش سیستمی به مقوله توسعه روستایی به‌ویژه در ابعاد اقتصادی آن است. در زمینه تولید فرش دستباف نگرش سیستمی به برنامه‌ریزان و مسئولان کمک می‌کند تا صنعت تولید فرش دستباف را در بستر تحولات مدرن و شرایط کنونی حاکم بر نظام تولید و نظام عرضه و تقاضا در سطوح ناحیه‌ای، ملی و جهانی از زوایای مختلف بنگرند و با شناخت درست شرایط موجود دست به اقدامات لازم و اساسی برای حل مشکلات بزنند و وضعیت آینده را بهبود بخشند.

شایسته و بایسته است که مدیران محترم دستگاه‌های اجرایی استان (متولیان امر توسعه صادرات غیرنفتی) به شاخص‌های بررسی شده کاملاً جدی بپردازند و توجه کنند. همچنین بافندگان، مدیران شرکت‌های تولیدی، صادرکنندگان، تهیه‌کنندگان مواد اولیه و، خلاصه کلام، کلیه عوامل اجرایی تولید و صادرات فرش دستباف با تجهیز خویش به سلاح علم و دانش و با بهره‌گیری از تجربیات موفق رقبای بازارهای جهانی، مبادرت به تولید فرش دستباف نمایند و از تولید به شیوه‌های

سنتی و بر اساس الگوهای سنتی خودداری ورزند و این امر محقق نخواهد شد مگر در سایه حمایت، آموزش و همت کلیه عوامل دست‌اندرکار فرش دستباف ترکمن (اسفندیاری و همکاران ۱۳۸۹، ۸۳).

ارائه تسهیلات مناسب به فرش‌بافان ترکمن به منظور تجهیز کردن و تقویت کارگاه‌های خانگی تولید فرش؛ تدوین ساز و کارهای قانونی، اجرایی و نظارتی مناسب برای رفع مشکلات بیمه‌ای قالبیافان؛ احیاء طرح‌ها و نقوش اصیل فرش دستباف ترکمن؛ کمک کردن به فرش‌بافان برای تأمین مواد اولیه مرغوب با قیمت مناسب؛ فرهنگ‌سازی در زمینه ارزش‌های مادی و هنری فرش دستباف به منظور ایجاد انگیزه، تحریک خلاقیت و روحیه کارآفرینی با تأکید ویژه بر جمعیت جوان روستایی؛ ایجاد تعاونی‌های تخصصی تولید فرش دستباف به منظور فراهم آوردن زمینه همکاری در ارائه خدمات آموزشی و مشاوره‌ای، اعتباری و مالی، تولیدی و بازاریابی از جمله راهکارهای عملی در زمینه دستیابی به رونق و خروج از رکود در فرش دستباف ترکمن است.

■ پی‌نوشت‌ها

1. Principal components analysis
2. Varimax
3. Wok Quality of Life

■ فهرست منابع

- احمدی، وحید، ۱۳۷۸. «تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر صادرات فرش دستباف (طی برنامه اول و دوم)»، به راهنمایی محمود متوسلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- آسایش، نعمت‌اله، مرتضی فرجی، ۱۳۸۷. «بررسی نظام تولید و توزیع فرش دستباف به منظور ارائه راهکار مناسب با تکیه بر تبدیل نظام فشاری (Push) به نظام کششی (Pull)»، گلجام (فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی فرش ایران)، شماره ۱۱.
- استانداری گلستان، ۱۳۹۴. معرفی شهرستان گنبد <http://gonbad.golestanp.ir/moaref-shahrestan>
- اسفندیاری، ابوالفضل؛ قربان تاج‌پوری و علیرضا پاکزاد، ۱۳۸۹. «بررسی عوامل مؤثر بر تولید صادراتی فرش دستباف ترکمن». گلجام (فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن علمی فرش ایران)، شماره ۱۷، صص ۸۴-۷۱.
- بتولی، فرهاد، ۱۳۷۱. «نقش فرش در اقتصاد ایران و الگوی صادرات آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی محمد مشکوه، دانشگاه

امام صادق (ع).

- دهقانی فیروزآبادی، رضا، ۱۳۷۷. «بررسی علل افت سهم بازار جهانی فرش ایران نسبت به رقبا و ارائه راهکارهای مناسب برای بهبود آن»، به راهنمایی حبیب‌الله دعایی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی.
- دوغدیف، عوض گو، ۱۳۷۶. «تاریخچه قالی ترکمن». فصلنامه نامه فرهنگ، شماره ۲۶، صص ۱۸۰-۱۸۳.
- رضوانی، محمدرضا، ناصر بیات، ابراهیم رستگار، علی قنبری نسب، ۱۳۹۲. «شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر رکود صنعت قالیبافی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ملایر)». فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۳۵-۵۱.
- شم‌آبادی، محمدعلی، سیدحمید خداداد حسینی، ۱۳۸۶. «بازاریابی صادرات فرش دستباف ایران، بررسی عوامل مؤثر و آسیب‌شناسی»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۳.
- صابری، ابراهیم، ۱۳۸۲. «جایگاه فرش دستباف در اشتغال شهری و روستایی»، مجموعه مقالات سمینار ملی پژوهش فرش دستباف، مرکز تحقیقات فرش دستباف ایران، جلد دوم.
- طالقانی، غلامرضا، ۱۳۸۰. «تحلیل بهره‌وری عوامل تولید در صنعت فرش دستباف در روند توسعه اقتصادی، اجتماعی جوامع روستایی (مثال موردی قالی هریس آذربایجان)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی احمد ضیائی، دانشگاه تهران.
- عادل، زلیخا، ۱۳۹۲. «آشنایی با خوشه کسب و کار فرش دستباف استان گلستان، شرکت شهرک‌های صنعتی استان گلستان».
- عصارى آرانی، عباس، مهدیه رضاقلی‌زاده، ۱۳۸۸. «بررسی سیاست‌های حمایتی و مزیت نسبی در تولید فرش دستباف»، مجله دانش و توسعه (علمی-پژوهشی)، سال شانزدهم، شماره ۲۸.
- عزیززاده ثانی، محسن، امیر شجاعیان، ۱۳۹۳. «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موفقیت خوشه صنعتی فرش دستباف خراسان شمالی»، گنجام (فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی فرش ایران)، شماره ۲۵.
- غفاری، زهرا، ۱۳۹۰. «بررسی نقوش فرش ترکمن»، فصلنامه فرهنگ مردم، شماره ۲۵، صص ۱۴۳-۱۵۳.
- میرکتولی، جعفر، ۱۳۸۸. «بررسی علل اقتصادی-اجتماعی کاهش کیفیت فرش ترکمن»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۴.
- هاشمی، مریم، ۱۳۷۴. «نقش اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی قالیباف»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ویژه‌نامه زنان در کشاورزی، سال سوم، صص ۱۷۹-۲۰۲.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. موجود در پایگاه اینترنتی www.amar.org.ir
- Andrews, T. G., 2009. *The Changing Face of Management in Thailand*, Taylor & Francis e-Library.
- Cousin, G., 2009. *Researching Learning in Higher Education*, New York, NY: Routledge.
- Babbie, Earl R., 2012. *The Practice of Social Research*, Cengage Learning.
- Mbaiwa, J. E., 2011. Changes on traditional livelihood activities and lifestyles caused by tourism development in the Okavango Delta, Botswana, *Journal of Tourism Management* Volume 32, Issue 5, Pages 1050-1060



